



ارزشیابی پویا

یاکشف استعدادهای پنهان

در ضمن این نوع ارزشیابی قصد ندارد کاملاً جایگزین ارزشیابی ایستا شود، بلکه در واقع هر دو روش مکمل یکدیگر هستند و در کنار یکدیگر مفید و تأثیرگذار خواهند بود. این نوع ارزشیابی به جای اینکه بسنجد فراگیرنده قبلاً چقدر آموخته است (نتیجه یادگیری)، در پی آن است که ببیند او با استفاده از کمک، چقدر و تا چه سطحی قادر است بیاموزد (فرایند ایجاد توانایی) و به چه نوع کمک یا داده‌هایی نیاز دارد تا مهارت‌های تازه زبانی را بیاموزد. در واقع، در این نوع ارزشیابی، کمک گرفتن، برخلاف نظام سنتی، بخشی از آزمون است. این رویکرد، جایگزینی برای آزمون بهره هوشی است و خاستگاه آن، ارزشیابی هوش یا شناخت است. به عبارت دیگر، این روش به جای سنجش دانش و توانش کنونی فرد، ظرفیت یادگیری او را می‌سنجد و روش بسیار مناسبی برای کشف استعدادهای پنهان است.

در سنجش یا ارزشیابی پویا، تعاملی سازنده و پویا بین معلم و زبان‌آموز وجود دارد و معلم افزون بر نقش آموزشی خود، نقش میانجی، تسهیلگر و هدایتگر را نیز ایفا می‌کند. این نوع سنجش، روشی مداخله‌ای است که از طریق آن، موانع یادگیری فرد شناسایی می‌شوند و براساس آن‌ها، بهترین مسیر و روش برای بهبود یادگیری ارائه می‌شود.

در نگاه سنتی، تدریس و ارزشیابی دو امر جداگانه هستند، اما در ارزشیابی پویا، این دو نه تنها جدا از هم نیستند، بلکه درهم تنیده‌اند و یکی مکمل دیگری است. در حقیقت، این نوع ارزشیابی، مانند داستان پلیسی که از ته به سر نوشته می‌شود و نویسنده با توجه به نتیجه و پایان داستان، سایر بخش‌های

به موازات تغییراتی که در دهه‌های اخیر در زمینه روش تدریس و آموزش صورت گرفته‌اند، موضوع ارزشیابی و سنجش نیز از نظر دور نمانده و تحولاتی در این زمینه هم رخ داده‌اند. «ارزشیابی پویا»^۱ یکی از این تحولات است. ارزشیابی پویا اصطلاحی فراگیر و کلی است که به جای اصطلاحاتی مانند «ارزشیابی تعاملی»^۲ و «ارزشیابی توان یادگیری»^۳ به کار برده می‌شود و مبنای نظری آن، «منطقه تقریبی رشد»^۴ است که در سال ۱۹۸۶ لو سمینوویچ و یگوتسکی، روان‌شناس روسی، مطرح کرد.

ویگوتسکی بر نقش دیگران در محیط پیرامون تأکید داشت که معناها را به کودک در حال رشد عرضه و آموزش می‌دهند و در این کار میانجیگری می‌کنند. این آموزش‌های بیرونی باید توسط کودک که نمی‌تواند پذیرنده منفعل اطلاعات باقی بماند، فعالانه نهاده‌ای و جذب شوند. ویگوتسکی رشد تفکر کودک را «نظام مدام در حال تغییر کارکردهای ذهنی» توصیف می‌کرد. منابع این تغییر و رشد، یادگیری تجربی، یادگیری رسمی و ارتباط با سایر انسان‌ها هستند. مفهومی و ارتباطی بنیادین‌تر از طریق تجربه یاد گرفته می‌شوند و از طریق آموزش رسمی و تعامل با دیگران، معمولاً والدین، پرستاران، خواهران و برادران، همتایان یا معلمان، به تدریج پالایش و ارتقا می‌یابند.^۵

این اصطلاح معمولاً در مقابل اصطلاح‌های دیگری مانند ارزشیابی «ایستا»، «یکسان‌سازی شده»^۶ یا «هنجارگرا»^۸ به کار می‌رود. ارزشیابی پویا به جای تمرکز بر محتوای آزمون، یعنی بر مواردی زبانی که یادگیرنده می‌داند، بر فرایند یا نحوه یادگیری و همچنین ظرفیت رشد تأکید دارد. بنابراین ارزشیابی پویا نگاهی فرایندی و فعال دارد و به همین علت است که در مقابل ارزشیابی ایستا قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، این نوع ارزشیابی فرایند یادگیری را می‌سنجد.

ارزشیابی پویا به جای تمرکز بر محتوای آزمون، یعنی بر مواردی زبانی که یادگیرنده می‌داند، بر فرایند یا نحوه یادگیری و همچنین پتانسیل رشد تأکید دارد

در سنجش یا ارزشیابی پویا، تعاملی سازنده و پویا بین معلم و زبان آموز وجود دارد و معلم افزون بر نقش آموزشی خود، نقش میانجی، تسهیلگر و هدایتگر را نیز ایفا می‌کند

همخوانی ندارد و بیشتر مناسب نظام‌های منعطف است که در آن‌ها به تفکر انتقادی، حل مسئله و رشد فردی اهمیت داده می‌شود. به همین علت، آنچه که بیش از هر چیز در این مورد اهمیت دارد، تغییر نگرش معلمان و البته آموزش آن‌هاست که برای چنین چالشی آماده باشند. ضمن اینکه زمان کافی نیز باید در اختیار معلمان قرار گیرد تا بتوانند تعامل لازم را با دانش آموز داشته باشند. بنابراین، زمان‌بندی کنونی کلاس‌های زبان در ایران، برای چنین روشی مناسب نیست.

از دیگر موانع اصلی اجرای ارزشیابی پویا در نظام آموزشی کنونی ایران، می‌توان به تعداد زیاد دانش آموزان در یک کلاس، نمره محوری، اهمیت قبولی در آزمون‌های نهایی و کنکور سراسری، کمبود یا نبود آموزش برای معلمان، برنامه درسی فشرده و حجم زیاد کتاب‌های درسی اشاره کرد.

در هر صورت، به‌خاطر اهمیت این موضوع و به‌عنوان تلنگری به نظام کنونی ارزشیابی کشور، به‌ویژه در زمینه یادگیری زبان‌های خارجی، این شماره از نشریه «رشد آموزش زبان‌های خارجی»، تا حد زیادی به این موضوع اختصاص یافته است.

★ منبع

- Hasson, Natalie (2018). The Dynamic Assessment of Language Learning. London and New York: Routledge.

★ پی‌نوشت‌ها

1. Dynamic Assessment
2. Interactive Assessment
3. Learning Potential Assessment
4. Zone of Proximal Development
5. Static
6. Standardized
7. Normative

داستان را سازمان‌دهی می‌کند و می‌نویسد، معلم نیز شکل و محتوای تدریس خود را با توجه به آزمونی برنامه‌ریزی می‌کند که قرار است گرفته شود و برعکس. بنابراین این نوع ارزشیابی برای کسانی مفید است که به رغم توانایی زیاد، شاید نتوانند در آزمون‌های معمول و سنتی امتیاز خوبی کسب کنند.

در نتیجه و براساس گفته‌های پیشین، می‌توان گفت که اصول مهم ارزشیابی پویا عبارت‌اند از:

- تعامل دوطرفه (بین یادگیرنده و ارزشیاب)؛
- دادن بازخورد فوری؛
- سنجش توانش؛
- انعطاف‌پذیری (بسته به نیاز و سرعت یادگیری فرد)؛
- تمرکز بر فرایند.

مرحله‌های اصلی این نوع ارزشیابی نیز از این قرارند:
آزمون اولیه: سنجش دانش فرد، پیش از هر گونه کمک یا مداخله‌ای؛

مداخله: ارائه کمک و راهنمایی‌های لازم در حین آزمون؛
آزمون مجدد: سنجش دانش و توانش فرد و پیشرفت او، پس از دریافت کمک؛

تحلیل رشد: مقایسه پیشرفت فرد با توجه به توان و ظرفیت واقعی او؛

طراحی برنامه: طراحی یک برنامه آموزشی جدید و بهتر با تکیه بر اطلاعات به‌دست‌آمده؛

تمرین‌هایی هم که در ارزشیابی پویا به کار گرفته می‌شوند، می‌توانند از حوزه‌های متفاوت زبانی باشند؛ از جمله آواشناسی، ساختارشناسی واژه‌ها، سطح یا دانش واژه‌ها، سطح جمله‌سازی، روایت و گفتمان.

اما آیا این نوع ارزشیابی با هر نوع نظام آموزشی همخوانی دارد؟ پاسخ منفی است. این نوع ارزشیابی با نظام‌های مبتنی بر آزمون‌های استاندارد و نظام‌های آموزشی خشک و سنتی